

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی



نورالله وثوق
۲۰۰۹/۰۱/۳۰

سیلی جانانه

سخن از رونوشت سر گذشته
نمی بینی که آب از سر گذشته
بگویم سیلی جانانه ای گفت
تو را تاریخ مصرف در گذشته

اسیر

اگر در چشم هم نشتر نبودیم
چنین حیرانی هر در نبودیم
اگر بودی سری مو دید هوشی
اسیر دست کور و کر نبودیم

نمی شرمی

بر این ویرانه فکرت بام و در ساز
به خود آی و ز خود چیزی دگر ساز
دلا سازنده بزم خودی شو
نمی شرمی که می رقصی به هر ساز

غزوه غزه

درین وادی چه منزل می سپاریم؟
چرا حق را به باطل می سپاریم؟
حدیث غزوه را در غزه دیدیم
به کافر از چه رو دل می سپاریم

درفش کاویان

زبان را گر چنان خنجر نسازیم
اگر از مشت دل سنگر نسازیم
درفش کاویان از آن ما نیست
اگر خود را چو آهنگر نسازیم

چنگ ضحاک

چرا بر ریشه خـود بر نگردی؟
چرا مـرد ره باور نگردی؟
"قباد" و "قارن" ات در چنگ ضحاک
چرا چـون "کاو" آهنگر نگردی؟

بال اقبال بلا

من و تو گر که از اصحاب رازیم
به پای "بولهب" ها سر نیازیم
بدا تا بال اقبال بلا
خوشا روزی که شب را پر نسازیم

ناتنی

چرا خود را چنان صرصر نسازیم؟
خزان را از چه رو پرپر نسازیم؟
ازین پس رسم دیگـر پیش باید
بیا هـر ناتنی را سر نسازیم

خاکریز و سنگر

بیا تا برده هر در نگردیم
کلاه رهنمان را پر نگردیم
بیا تا خاکریز خویش باشیم
به هر بیگانه ای سنگر نگردیم

آواره

به دشمن گر که همبور نبودیم
چنین آواره هـر در نبودیم
به خود گر لحظه ای را رو نمودیم
ولی تا لحظه دیگر نبودیم

تیغۀ خنجر

ز اشک دیده ها ساغر کشیدیم
به هر سو تیغۀ نشتر کشیدیم
چه می گویی که ما از سر کشانیم
در هر ناکسی را سر کشیدیم

پانویشت

ضحاک: آورده اند که سپهسالاری ستمگر بود و دو مار در شأنه او روییده و هر روز مغز سر دو انسان بیگناه خوراک آن دو مار. سر انجام کاوه آهنگر پدر قباد و قارن درفش‌ساخت و مردم را بر آن داشت تا با همدستی او ضحاک را بر اندازند و چنین شد.